

پیش‌خوان

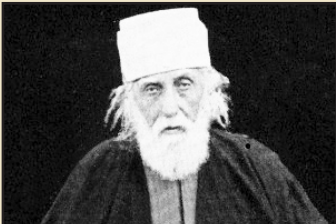
به بهانه انتشار اثر تاریخی – پژوهشی «انگلیس و سر عبدالبهاء»

مفخر به تشویق بریتانیای کبیر

■ **شاهد توحیدی**



رویدادهای فرهنگی، سیاسی سالیان اخیر، ضرورت شناخت بیشتر فرقه بهائیت را افزون ساخته است، چه اینکه این نخله با محاسباتی البته غلط و وهمی، از لاک گوشه‌نشینی بیرون آمده و به فعالیتنی گسترده پرداخته است. از جمله آثاری که در سالیان اخیر درباره این گروه به نگارش در آمده، کت‏ب «انگلیس و سر عبدالبهاء» است که به بازخوانی روابط رئیس این فرقه با دولت بریتانیا پرداخته است. در مقدمه این اثر که به قلم عبدالحسین آینی و توسط نشر نیکان نشر یافته است، می‌خوانیم: «شاید کمتر حرکت فرقه‌ای را بتوان ظرف چندین سده گذشته سراغ داشت که به اندازه شیخیه و بابیه، از لیه و بهائیه مورد بحث و تحقیق شناسایی و رد قرار گرفته باشد. میزان توجه و واکنش به این دست‌ساخته‌امپراتورهای مقتدر فاسد‌عثمانی، روس تزار و انگلیس مکار به‌قدری گسترده بوده و هست که هر چه ارائه می‌شود، به‌نوبه خود تاریک دارد و بعضاً با این سؤال همراه است که چرا این قدر در قبال چند مسلک سیاسی شبه‌دینی، حساسیت و واکنش نشان داده‌اند و اینکه ادامه می‌دهند؟ خود این پدیده که چرا با واکنش‌های تند و ادامه‌دار مواجه شده، موضوع بسیار حساس و مهمی است که با مطالعه آثار مخالفان نقاد شیخیه، بابیه و بهائیه می‌توان فهمید و بی برد موضوعات با اهمیت بسیار زیادی استمرار برخوردار باشد، بابیه و بهائیه را فراهم آورده است: ۱- نقش بیگانه‌اندیشی و سیاسی در «کاشت و برداشت» از این تشکیلات دست‌ساخته عثمانی، تزار و انگلیس که امروزه در خدمت امریکاست. ۲- ساختار شکنی سیاسی به‌منظور برخورد همه‌چاپیه با مرجعیت مقتدر شیعه در مقام نیابت عامه دوران غیبت. تنها نهاد صد در صد مشروع دینی با استعمار خارجی و استبداد داخلی. ۳- ساختار شکنی دینی که فرقه‌های مزبور با اعلام



عباس افندی رئیس فرقه بهائیت

بایبیت، رکن رابع، مهدویت، نبوت و اولویت دنبال کردند و با حمایت انگلیس و امریکا تقویت شد. ۴- فرخورد منحرفانه دست‌ساخته‌های استعمار سلطه‌جویی ضد اسلام با مبانی اعتقادی اسلامی. ۵- به انحراف کشاندن مسلمانان ناآگاه یا قریب‌دادن ساده‌لوحان برای عملی کردن اهداف شوم استعمار». از جمله لحاظ‌ها و چپ‌هایی است که وظیفه برخورد با عوامل خارجی مذهب‌ساز و ایادی دست‌نشانده داخلی را در زمره فرمایش ایمانی درمی‌آورد. البته باید توجه داشت ممکن است این فرضیه ایمانی که باید به‌صورت‌های گوناگون انجام گیرد، به دلیل اعمال نظریاتی سلیقه‌ای از مسیر اصلی خود منحرف شود و کج‌راهی را در عملکرد مسلمانان به وجود می‌آورد که اثر آن در جوامع اسلامی کمتر از دست‌ساخته‌های شبه‌دینی مخرب دیانت حقه نباشد. برای نمونه می‌توان وظایف دوران غیبت کبری را که با فضیلت «افضل اعمال شریعت‌انظظار فرج» تعریف شده است، با اعمال اظهارنظرهای سلیقه‌ای ابدامی که بعضاً با قرآن و سنت سازش ندارد، نه فقط بی‌آزرش سازند، بلکه مدینه فاضله را به مدینه فاسده‌ای که خواست دشمنان قسم‌خورده اسلام، خاصه تشیع است، تبدیل کنند. برای شناخت چنین خط‌انحرافی باید تصمیم‌ها و شکل انجام وظایف دوران غیبت حضرت امام قائم غائب موجود معود را به آنچه معصوم(ع) تعیین فرموده است، از دیدم تا بدانیم آیا باید در مقابل مفاسد که دام‌ودلته استعمار خارجی است سکوت کرد تا تعجیل در فرج شود یا باید بنا بر اصل امر به معروف و نهی از منکر انجام وظیفه مسلمانی آن طور که معین کرده‌اند، عمل کرد؟

چنان که حضرت حجت بن الحسن (ارواحنا فداه) در رقیمه‌ای که شیخ مفید را مشرف به شرافت زیارت آن کرده، فرموده‌اند: «تَحَنُّنٌ وَإِنْ كُنَّا بَيْنَ بَيْكُنَّا اللّٰهِي عَنْ مَسَاكِنِ الطّٰلِمِيْنَ، حَسَبْتُ الَّذِي ارٰ اَنَا اللهُ تَعَالٰى لَنَا مِنَ الصّٰلِحِ، وَ لِمَيْتِنَا الْمُؤْمِنِيْنَ فِي ذٰلِكِ، مَا دَوْلَةٌ الدُّنْيَا لِمُسَاقِيْنِ...» یعنی اگر چه هم‌اکنون در مکانی دور از مساکن مستغمران به‌سر می‌بریم که این نیز بر حسب مصلحتی است که خداوند متعال به جهت ما و شیعیان مانده‌شیده، مادامی که دولت دنیا در دست فاسقان است، چنین باشیم.

به هر روی نگارش آثاری از قبیل «انگلیس و سر عبدالبهاء» که روشنگری می‌کند و ماهیت واقعی دین‌سازان و ایادی آنان را بر ملا می‌سازد، از جمله وظایف مسلمانی دوران غیبت است. هر گونه مسامحه و کوتاهی تقویت مسیرهایی است که استعمار برای تضعیف اسلام، خاصه تشیع تشخیص داده است.

■ **مجتبی مجدآبادی**

درباره مجال‌دهی پهلوی‌ها به ویژه پهلوی دوم به فرقه بهائیت، گمانه‌های فراوانی وجود دارد. رایج‌ترین آن‌ها، انگاره رشد دادن این نخله به اوگنه‌ای است که در عرض اسلام قرار گیرد یا حتی به‌عنوان دین رسمی کشور، قانونی شود. به هر روی علت این رویداد هر چه باشد، قدر مسلم این است که بهائیان به ویژه در ۳۵ سال پایانی حکومت پهلوی، به مناصب و مساندن بالایی رسیدند و قدرت سیاسی و فرهنگی فراوانی یافتند. از جمله عرصه‌های جولان دهی این فرقه، بهنه فرهنگ ایران بود که مقالی که پیش‌رو دارد در پی بازگویی و بازخوانی آن است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان ایران معاصر و علاقه‌مندان را به کار آید.

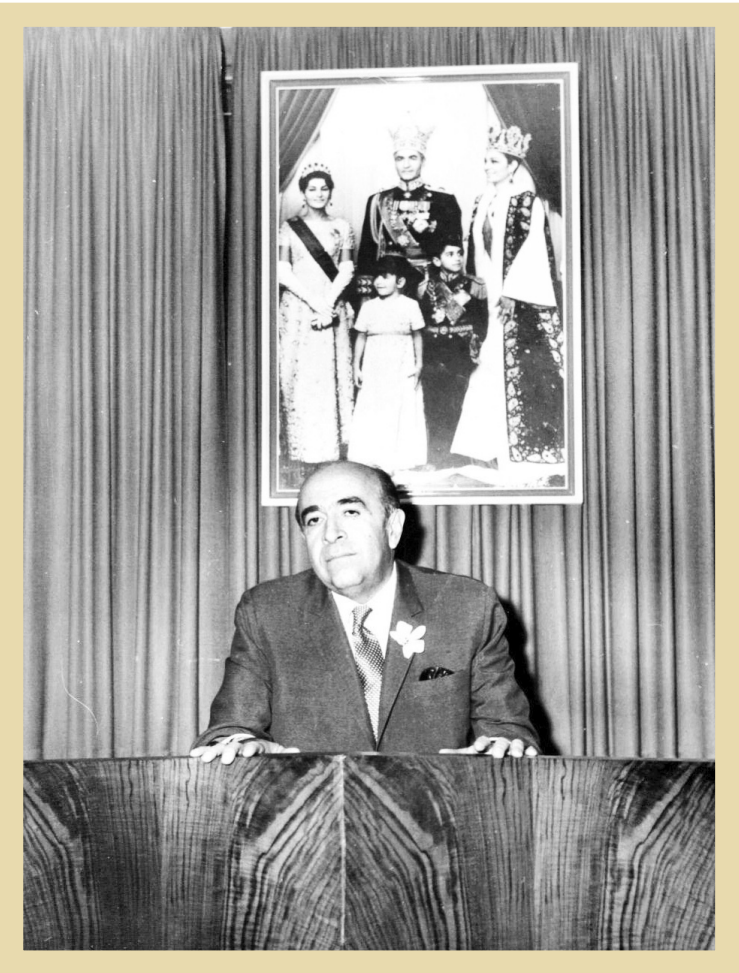
■ ■ ■

یکی از حوزه‌های مهم و اساسی در هر حکومتی، عرصه فرهنگی است که در ساخت هویت و اصالت اخلاقی و امور معنوی هر جامعه‌ای، تأثیری بسزا و غیر قابل انکار دارد. رژیم پهلوی، به دستور اربابان خارجی خود، به جهت مبارزه با اسلام و حذف ارزش‌های اسلامی از جامعه ایران، ضمن ترویج مبانی و ارزش‌های فرهنگ غرب، گام‌های مؤثری در راستای مبارزه با دین اصلی و عمومی جامعه ایران برمی‌داشت.

■ **فتح نظام آموزشی کشور توسط بهائیان**
رژیم شاه برای نیل به مقصود، از ابزارهای مختلف و متنوعی بهره می‌برد. یکی از ابزارهای مهم و تأثیرگذار مطرح در دوره حکومت رژیم وابسته پهلوی تشکیلات بهائیت بود. آنها به واسطه اشتراک با حکومت در وابستگی به بیگانه و هماهنگی و همراهی با سیاست‌های استعماری دول غربی، به عنوان ابزاری مناسب و کارآمد در این بخش به کار گرفته شدند. عمده عملکرد آنان در حوزه‌های فرهنگ عمومی مانند آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و شکل انجام وظایف دوران غیبت حضرت امام قائم غائب موجود معود را به آنچه معصوم(ع) تعیین فرموده است، از دیدم تا بدانیم آیا باید در مقابل مفاسد که دام‌ودلته استعمار خارجی است سکوت کرد تا تعجیل در فرج شود یا باید بنا بر اصل امر به معروف و نهی از منکر انجام وظیفه مسلمانی آن طور که معین کرده‌اند، عمل کرد؟



هویدا چندین سال یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین وزار ت‏خانه‌های آموزشی سپرد و پرورشی کشور را به باند بهائی سپرد و زنی بهائی به نام فرخ‌رو پارسای را در رأس وزارت آموزش و پرورش قرار داد. فرخ‌رو پارسای با انتخاب سه معاون بهائی دیگر در واقع، سنسگر اصلی تربیتی کودکان این کشور را فتح کرد



▲ در دوران ۱۳ساله نخست‌وزیری امیرعباس هویدابهائیان در ایران نفوذ گسترده‌ای یافتند

درباره مجال‌دهی پهلوی‌ها به ویژه پهلوی دوم به فرقه بهائیت، گمانه‌های فراوانی وجود دارد. رایج‌ترین آن‌ها، انگاره رشد دادن این نخله به گونه‌ای است که در عرض اسلام قرار گیرد یا حتی به عنوان دین رسمی کشور، قانونی شود. به هر روی علت این رویداد هر چه باشد، قدر مسلم این است که بهائیان به ویژه در ۳۵ سال پایانی حکومت پهلوی، به مناصب و مساندن بالایی رسیدند و قدرت سیاسی و فرهنگی فراوانی یافتند

مروری بر زمینه‌ها و پیامدهای نفوذ بهائیت به عرصه فرهنگ کشور در دوره پهلوی‌ها

تکاپوی فرقه‌ای که در پی جانشینی اسلام بود

در این راستا اقدام می‌کرد که حتی چندین سال یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین وزار ت‏خانه‌های آموزشی و پرورشی کشور را به باند بهائی سپرد و زنی بهائی به نام فرخ‌رو پارسای را در رأس وزارت آموزش و پرورش قرار داد. فرخ‌رو پارسای با انتخاب سه معاون بهائی دیگر، در واقع، سنسگر اصلی تربیتی کودکان این کشور را فتح کرد. او، طی مدت شش سال انواع و اقسام طرح‌های ضددینی و اسلامی را در مدارس و دبیرستان‌ها به اجرا درآورد. مشارالیها سعی وافری در حذف حجاب از مدارس دخترانه داشت و طرح کلاس‌های مختلط دختر و پسر در زمان این عامل وابسته به رژیم صهیونیستی و استعمار پیر به مرحله تصویب داخلی رسید ولی با دفاع عظیم روحانیت آگاه و مبارز و مخالفت عمومی مردم به تصویب مجلسین نرسید. لیکن پارسای، با بهره‌گیری از حمایت بی‌دریغ حکومت پهلوی و به ویژه دستگاه اطلاعاتی و امنیتی آن رژیم، یعنی ساواک، عوامل آن دستگاه شیطانی چندین مرتبه به جهت برداشتن چادر و روسری از سر دختران دانش آموز، به مدارس دخترانه حمله‌ور شدند. البته اقدامات وی به همین جا ختم نشد و با قدرتی که رژیم حاکم در اختیار وی قرار داده بود به سهولت به تاراج سرمایه‌های مادی و معنوی جامعه ایرانی پرداخت. وی با گماردن عناصر فاسدالاخلاق در رأس امور، در واقع راه را بسرای چارول و غارت بیت‌المال مسلمین باز کرد و در طول صدارت او، موج فساد اخلاقی و مالی بالا گرفت. هر سه معاون بهائی وی، به نام‌های حبیب‌الله نفیسی، محمدعلی غروی و محمدتقی موقیان سهم عمده‌ای در اشاعه و رواج مفسده‌های ذکر شده فوق داشتند. آنان با حمایت مستقیم وزیر و در پاره‌ای از موارد با دخالت و شراکت وی، به انواع سوءاستفاده‌های مالی اعم از اختلاس، سندسازی، اخذ رشوه و برداشت مستقیم از بودجه تحویلی میادرت می کردند. شرح کارها و فعالیت‌های خلاف اخلاق آنان بسیار مفصل می‌باشد چنانچه دستگاه امنیتی رژیم نیز صیادش در آمده و گزارش‌هایی در این خصوص تهیه و ارسال کرده بود؛ لیکن چون خود وزیر هم دستش با این افراد در یک کاسه بود و از طرفی خانم وزیر منتخب نخست‌وزیر

و شناخته‌شده‌ای چون حبیب ثابت پاسال، که به گفته خود وی مؤسسه تلویزیون را با هدف خدمت و تبلیغ بهائیت و ایجاد مرکز برای است‏خدام و جذب بهائیان بیکار تأسیس و راه‌اندازی کرده و اجازه افتتاح و گشایش این مؤسسه هم از جانب دولت استعمارگر انگلیس صادر شده است و آنان همواره پشتیبان مالی و معنوی ثابت پاسال در این راه بوده‌اند. پس از تلویزیون، رسانه مهم و تأثیرگذار عمومی و فراگیری چون رادیو نیز طی سال‌های تمدادی در اختیار عناصر بهائی بود و افرادی چون نصرالله معینیان (یار غار اصلی و مهم بهائیان) و شیرزاد (بهائی)، سال‌ها در رأس این رسانه بودند. آنان با ترویج فرهنگ ضددینی در برنامه‌های مختلف رادیویی و به ویژه در برنامه صبح جمعه علناً به تمسخر آموزه‌ها و سنت‌های دینی می‌پرداختند

و تأثیر زیادی در ایجاد تردید در بین جوانان ناآگاه و ساده‌دل داشتند. در ضمن این مرکز را نیز برای به کارگیری و استخدام جمع کثیری از بهائیان اختصاص داده بودند و از هنرمندان بهائی یا وابسته و طرفدار این مسلک را ساختگی دعوت به کار می‌کردند و سعی در چهر‏سازی و حسن شهرت آنان داشتند؛ برای نمونه، از کسانی چون عهدیه و مسعودی به عنوان خوانندگان‏ی که همواره صدای آنان از رادیو پخش می‌شد، می‌توان نام برد. در مرحله دیگر، در وزار ت‏خانه‌ای که عمده کار نشر و مطبوعاتی را عهده‌دار بود نیز حضور فعالانه و مستمر داشتند. این مطلب در اسناد بر جای مانده از سیستم امنیتی رژیم پهلوی یعنی ساواک به خوبی مشاهده می‌شود. ■ **بهائیان در مسیر تبلیغ معارف اسلامی**

از دیگر محورهای اساسی و مهم که با راهکارهای مختلف از سوی بهائیان به منصفه ظهور رسید، مسئله تهاجم و مقابله تبلیغی در ابعاد مختلف و به طور گسترده با مبانی فکری- عقیدتی و احکام و دستوره‏ای اسلام بود. بهائیان برای نیل به این مقصود، ضمن هماهنگی لازم با سازمان امنیتی رژیم گذشته، از سایر حمایت‌ها و پشتیبانی‌های مورد نیاز برخوردار بودند. سیستم امنیتی رژیم پهلوی، با اینکه از تمامی برنامه‌های در دست اجرا و اقدامات جاری و آتی آنان باخبر بود، هیچ اقدام بازدارنده‌ای در دستور کار خود قرار نمی‌داد و در مقابل، توجهش به کارهای رقیب پیش‌بینی شده برای بهائیان، یعنی انجمنی‌ها یا به تعبیر ساواک «تبلیغات اسلامی‌ها» بود تا در صورت برخورد غیرمرتبه و بیش از حد تعریف شده و کنترلی ویژه‌ای که در دستور کار این

درد

یکی از مراکز و حوزه‌های مهم حضور و فعالیت گسترده بهائی‌ها در رژیم گذشته، وزارت اطلاعات و جهانگردی وقت بود. این وزار ت‏خانه بخش مطبوعات و راد‏یو و انتشارات را بر عهده داشت؛ عرصه تبلیغاتی فراگیر و مهمی که بهائیان سعی زیادی در رخنه جای پا در آن از خود نشان دادند و با راهکارهای مهم و بهائیان باغمت شد و گسترده بهائی‌ها در رژیم گذشته، وزارت اطلاعات و جهانگردی وقت بود. این وزار ت‏خانه راد‏یو و انتشارات را بر عهده داشت، عرصه تبلیغاتی فراگیر و مهمی که بهائیان سعی زیادی در رخنه جای پا در آن از خود نشان دادند

سازمان قرار داشت، وارد میدان شده و اوضاع را کنترل کنند. «تبلیغات اسلامی‌ها» که خواسته یا ناخواسته، در گردونه بازی رژیم پهلوی قرار داشتند و به عنوان یک حرف‏ر علن و قابل توجه، همواره تئور حضور و حیات مستمر فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی را برای بهائیت نگه گرم می‌داشتند، به فعالیت می‌پرداختند.

رژیم سعی داشت مسئله مبارزه با اسلام و حذف اصول و مبانی عقیدتی و اخلاقی آن را که از سوی بهائیت با دستور اربابان خارجی و داخلی آنان طراحی و هدایت می‌شد مخفی نگه دارد و در واقع، با کاهش اهمیت موضوع و تقلیل سطح آن، هدف اصلی را پنهان و عوامل مهم و برنامه‌های کلی را نیز مخفی نگه دارد. انجمنی‌ها با افتادن در دام این سیاست در واقع بخش مهمی از این پازل را تکمیل می‌کردند که به اثبات پروژه فحائیت و مظلوم‌نمایی بهائیان کمک می‌کرد.

جالب توجه این است که در این خصوص دیدگاه روحانیت آگاه و مبارز و انقلابی با انجمنی‌ها فاصله زیادی داشت و به ویژه حضرت امام خمینی(ره) به عنوان رهبر و بنیادگذار این خط فکری صحیح و دقیق انقلابی، همواره مبارزه رودررو و اقدامات ایذایی و مقابله‌ای تند را محکوم می‌کردند و با اشاره به اصل هدف طراحی شده از سوی استعمارگران خارجی و عامل دست‌نشانده آن یعنی رژیم پهلوی، در واقع به کنه موضوع نظر داشتند و ضمن افشای برنامه‌ها و اهداف اصلی و شرح چگونگی آن و ارتباطات کشورها ذیربط با این، از بهائیت به عنوان یک حزب سیاسی دست نشانده و عامل استعمار یاد می‌کردند و از طرح مسئله به شکل عقیدتی یا مبارزه مذهبی و فرقه‌ای اجتناب می‌ورزیدند، لیکن طرح اجرا شده از سوی سازمان امنیتی رژیم پهلوی تا حد زیادی مخمّر واقع شد و با هدایت و کنترل این سازمان، در دوره‌های مختلف، گاه با شدت و زمانی بسا رکود روبه‌رو می‌گشت و گزارش همه اقدامات دو طرف با

ذکر چگونگی وضعیت کنترلی آن در اسناد به جای مانده از سوی این سازمان امنیتی ذکر شده است. اما شیوه‌ها و راهکارهای مختلفی که بهائیان در راستای تبلیغات ضداسلامی خود از آن بهره می‌بردند، متنوع بود که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- راهکار اقتصادی
بهائیان با شناسایی افراد منفعل از حیث عقیدتی و فقیر و نیازمند با ارائه تسهیلات لازم از قبیل پیدا کردن کار و شغل یا راه‌اندازی یک کاسی جزئی و قول ازدواج و غیره وی را مجاب و قانع می‌کردند و بعد کار تسجیل وی را انجام می‌دادند. البته قول اعطای وام یا قبول هزینه‌های مهاجرت و خرید لوازم منزل، ماشین و... نیز از سایر روش‌های به کارگیری شده از سوی آنان می‌باشد.

۲- خرافی معرفی کردن مبانی اسلام
طرح شبهه‌های مختلف در خصوص برخی احکام و دستوره‏های خاص اسلام و تفسیر وارونه و دلخواه و ایجاد شک و تردید در مخاطب از دیگر راهکارهای ویژه آنان در امر تبلیغ هنر اسلامی و جذب نیرو بوده است.

۳- ربایی کلاس و جلسات خاص
بهائیان در ایسن زمینه روش خاصی را اعمال می‌کردند؛ چنانچه یک دایره بسته و محدود مطالعاتی برای اعضای خود قائل بودند و به ویژه برای نوجوانان و جوانان کلاس‌های ویژه عقیدتی داشتند و ضمن معرفی خرافی شمردن و تمسخر احکام و آداب اسلام به تبلیغ اصول بهائیت می‌پرداختند و ضمن تقویت مبانی فکری اعضای خود آنان را برای تبلیغ سایرین و افراد جدید آماده می‌کردند. برنامه اجرایی تمام کلاس‌ها در دست ساواک قرار داشت و با عنایت به مبارزه علنی بهائیان با دین رسمی کشور که صیانت از آن طبق قانون اساسی مشروطه و یک وظیفه سازمانی و اصولی برای آن سازمان امنیتی بود، اما این سازمان با توجه به هماهنگی و کسب دستوره‏های لازم از مسئولان نظام حاکم، هیچ اقدام بازدارنده‌ای در این خصوص اعمال نمی‌کرد و تنها به ذکر گزارش کلاس‌ها و مجالس عقیدتی آنان بسنده می‌کرد.

۴- تبلیغ در پوشش راه‌اندازی امور خدماتی و خیریه
بهائیان با تأسیس شرکت‌ها یا کارگاه‌های کوچک و بزرگ خدماتی که با کسب مجوز لازم قبلاً از سوی رژیم برایشان آماده و مهیا شده بود، در واقع محل‌هایی را برای امر تبلیغ خود دست و پا می‌کردند و از این ظرفیت برای فریب افراد ساده‌دل و خوش‌باور استفاده می‌کردند.

۵- اعزام مبلغ رسمی برای تبلیغ
برنامه اعزام مبلغ برای تبلیغ به اقصی نقاط کشور به طور مخفی و علنی و به بهانه‌های مختلف و لی تحت کنترل و هدایت ساواک به مرحله اجرا درمی‌آمد. آنان از اماکن مختلفی سراسر این کار بهره می‌بردند؛ گاه در حظیرهالقدس یا در محل رسمی محفل منطقه مذکور یا در منزل اعضا و حتی اماکن وابسته به مؤسسات دولتی مثل ششیر و خورشید سرخ و... برنامه داشتند و حتی یکی از این جلسات از سوی ساواک به تعطیلی کشیده شده است ولی در مقابل، اجازه ربایی کلاس قرآن به حجت‌الاسلام عباسعلی اسلامی داده نمی‌شود و ساواک به شدت با این امر مخالفت می‌کند و در نهایت ایشان ناچار می‌شوند کلاس مزبور را در منزل خود و آن هم به طور مخفی دایر کنند. در کشوری که دین رسمی آن، در قانون اساسی، اسلام ذکر شده است، اجازه گرفتن برای تأسیس کلاس قرآن وجود نیست و یک امر سیاسی و مخرب قلمداد می‌گردد ولی در مقابل، برای تبلیغ علنی بهائیت و اعزام و جابه‌جایی چندین مبلغ و ربایی کلاس‌های متعدد و جلسات مختلف هیچ مانعی وجود ندارد. تنها تگرانی ساواک از ربایی جلسات تبلیغی بهائیان، همان طور که در اسناد مربوط قید شده است، مسئله فعالیت «تلیغات اسلامی‌ها» و احتمال بروز درگیری بین آنان و بهائیان می‌باشد.

۶- ارسال کتب و جزوات و توزیع آنها
حجج قابل توجهی از کتب و نشریات بهائی از سوی محافل ملی به سایر نقاط و محافل این فرقه در استان‌ها و شهرستان‌های مختلف در سراسر کشور ارسال و توزیع می‌شد. این کتاب‌ها در مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات دولتی، ارگان‌های نظامی و انتظامی، مؤسسات وابسته دولتی و خصوصی توزیع می‌شد و ساواک با داشتن سیستم منابع و عوامل اطلاعاتی متعدد از تمامی امور مطلع و باخبر بود ولی حتی یک جزوه یا کتاب یا نشریه بهائی از سوی این سازمان توقیف نشد. البته موارد خاص و دیگری نیز شاید برای امر تبلیغ مورد سوءاستفاده بهائیان قرار گرفته باشد ولی آنچه که ارائه شد، در واقع موارد عام و از مهم‌ترین و رایج‌ترین شیوه‌های کاربردی آنان بوده است.

درباره این مقوله صدها برگ سند در میان اسناد ساواک وجود دارد. این اسناد نشان می‌دهد که چگونه اعضای این فرقه با جدیت و البته حمایت‌های سخاوتمندانه حکومتی، سعی داشتند بنیان‌های اندیشه اسلامی را در کشور ویران ساخته و به مرور به جایگزینی معتقدات پوچ و خرافی خویش میادرت کنند، هر چند موج بزرگ انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی به آنان چنین مجالی نداد و آنان از آن پس، تنها در قامت اپوزیسیون نظام جمهوری اسلامی ظاهر شدند.

تاریخ

فکتوگو ۸۸۴۹۸۴۷۹



▲ ترویج و رواج رژیم بهائی آموزش و پرورش در کلبینه هویدا در دهه انقلاب